

تقابل نگاه اصلاح گرایانه و انقلابی در مدیریت شهر

اولین شهردار تهران پس از انقلاب آنقدر حرف ناگفته از روزهای مدیریت خود در عصر جوانی انقلاب دارد که می‌توان ساعت‌ها به ناگفته‌هایش گوش سپرد. حرف‌هایی که می‌گوید در برابر آنهایی که نمی‌گوید بسیار ناچیز است با این حال همان‌ها نشان دهنده شرایط سختی است که مدیریت شهر تهران در آن دروه با آنها دست و پنجه نرم می‌کرده است. اولین شهردار انقلابی تهران بزرگترین مشکل خود در دوره مدیریت شهر تهران را رویایی حرکت اصلاح‌گرایانه خود و دیدگاه‌های انقلابی می‌داند که از آنها به رومان‌تیسیم انقلابی یاد می‌کند. فارق التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران و دانشگاه "ایلی‌نوی" آمریکا در رشته راه و ترافیک به همان اندازه که در مسائل شهری سررشته دارد تجربه سیاسی نیز در توشه دارد تا بتواند این اوضاع و احوال شهرداری تهران را که این روزها به نهادی سیاسی - اجتماعی تبدیل شده است واکاوی کند. محمد توسلی همچنان دو دیدگاه اصلاح‌گرانه و طی کردن روند آرام تغییرات را در تقابل با نگاه غیرعلمی و تحول ناگهانی شرایط در مدیریت شهر و کشور می‌داند.

* چگونه مسئولیت شهرداری تهران را قبول کردید؟

بعد از پیروزی انقلاب در معاونت امور انقلاب با دکتر یزدی همکاری را شروع کردم. مسئولیت من تهیه پیش‌نویس اساسنامه نهادی بود که به دستور امام برای حفاظت از انقلاب باید تشکیل می‌شد. بعد از بررسی‌هایی که انجام دادم نام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را با استفاده از ایده‌ای که دکتر شریعتی از فرهنگ زمان پیامبر ارائه کرده بودند برای این نهاد انتخاب کردیم. هفته اول اسفندماه در دولت موقت به من مأموریت دادند که مسئولیت شهرداری تهران را برعهده بگیرم. هشتم اسفند سال ۵۷ کار خود را در شهرداری تهران آغاز کردم. تهران در ابتدای انقلاب به دلیل اعتصاب‌های پیش از انقلاب در اعتصاب به سر می‌برد و به لحاظ سازمانی بسیار متزلزل بود و شهر تهران در اثر برخوردهای نظامی در جریان انقلاب به یک جبهه جنگ تبدیل شده بود و وضع شهر بسیار بی‌نظم و آسیب دیده بود. بنابراین همه انتظار داشتند که شهردار تهران در شروع کار بتواند کاری اساسی انجام دهد.

* در زمان مدیریت شهرداری با چه مشکلاتی مواجه بودید؟

چند نکته در آن شرایط مطرح بود. مطلب اول این بود که ما براساس مبانی فکری و اعتقادی که داشتیم و تعهدی که مهندس بازرگان هنگام پذیرش نخست وزیر مبنی بر استقلال از احزاب سیاسی پذیرفته بودند تمام تمرکز خود را برای کار در شهرداری و خدمت رسانی به مردم شهر تهران قرار داده بودیم. در شرایطی که همه نیروهای سیاسی به دنبال استفاده از امکانات برای توسعه کار

تشکیلاتی و سیاسی خود بودند. حتی دفتر کار برخی از مسئولان در آن دوران محل تشکیل جلسات حزبی‌اشان بود. ولی در شهرداری تهران هیچ کار سیاسی انجام نمی‌شد.

نکته دوم این بود که همه فکر می‌کردند که چون کارکنان شهرداری در آن زمان زیاد خوش نام نبودند باید یک پاکسازی وسیعی انجام شود و افراد زیادی باید وارد شهرداری شوند. من به این موضوع اعتقاد نداشتم و اعتقاد به مدیریت مشارکتی داشتم و معتقد بودم که باید با استفاده از همین کارکنان شهرداری بتوانیم شهر را اداره کنیم چون آنان افراد باتجربه و کیفی بودند که تجربه کار در شهر را دارند.

نکته سوم این است که وقتی ما مسئولیت اداره شهر تهران را برعهده گرفتیم ابزارهای کنترلی که برای اداره شهرها وجود دارد به لحاظ نیروی انتظامی و نیروی اطلاعاتی کشور فاقد آن بود و ما مجبور بودیم با استفاده از شور و آگاهی انقلابی مردم مسائل مربوط به شهر را حل کنیم که این نیازمند یک کار اجتماعی و توانایی ارتباط با مردم بود که ما از این بخش هم استفاده کردیم و کوشش کردیم با ارتباط مستقیم با خود مردم و جلب همکاری مردم شهر را اداره کنیم.

*** یکی از اولین طرح‌های شما تشکیل شوراهای بود. چرا با وجود تشکیل شوراهای همکاری مردم در گودهای جنوب تهران شوراهای در ابتدای انقلاب شکل نگرفت؟**

تشکیل شوراهای از اولین طرح‌های مدیریت شهری در ابتدای انقلاب بود برای اینکه من خودم را شهردار موقت فرض می‌کردم زیرا عقیده داشتم که باید بستری آماده کنیم که مردم، شورای شهر داشته باشند و شهردارشان را خودشان انتخاب کنند. می‌خواستیم این فرآیند یک فرآیند دموکراتیک و منطقی باشد. کار علمی برای این کار انجام دادیم و شهر تهران را به لحاظ تقسیم‌بندی آماده کردیم. از طرفی ما ساختار را آماده کردیم و به لحاظ حقوقی گروه‌های کارشناسی تشکیل شد و قانون لازم را برای شوراهای آماده کردند. حمایت مرحوم طالقانی هم موجب شد انتخابات در چند شهر کشور انجام شود ولی کسانی که در شورای انقلاب بودند و نقش اصلی در مدیریت کشور ایفا می‌کردند عموماً با اصل فکر شوراهای موافق نبودند بنابراین شورا نتوانست به صورت اصولی ادامه پیدا کند.

*** شما در جایی به نتیجه نرسیدن تشکیل شوراهای در ابتدای انقلاب را نتیجه تقابل دو دیدگاه دموکراتیک و غیردموکراتیک آن سال‌ها دانسته بودید. به نظر می‌رسد از همین منظر مدیریت شهری دچار مشکلات فراوانی بوده است.**

مشکلات ابتدای انقلاب چند وجه داشت. یکی از مشکلات اساسی این بود که در آن زمان نهادهای انتظامی و اطلاعاتی در کشور شکل نگرفته بودند بنابراین کمیته‌ها ایجاد شدند که در مناطق مختلف به وسیله مساجد و روحانیون که رأس آنها حضور داشتند اداره می‌شدند. کمیته‌ها چون قانونمند عمل نمی‌کردند کارهای بی‌رویه در سطح شهر انجام می‌شد، تداخل با مدیریت شهر داشتند که این از

مشکلات کلیدی ما در سال‌های آغازین انقلاب بود. برخی از مسئولان کمیته‌ها برای خود این مسئولیت را قائل بودند که برای همه مردم مسکن تأمین کند. بسیاری فکر می‌کردند که مشکل اصلی مردم مسکن است و اگر این مشکل حل شود اشتغال آنها هم حل می‌شود درحالی‌که ما درست بر عکس فکر می‌کردیم. آنها برای تأمین مسکن مداخله می‌کردند و خودشان زمین تقسیم می‌کردند، پروانه صادر می‌کردند. چنین مداخلاتی برای مدیریت شهر تهران بسیار پر هزینه بود و وقت زیادی را از ما می‌گرفت که با مذاکره و گفتگو بتوانیم این مشکلات را حل کنیم.

*** پس با این حساب با دولت‌های آغاز انقلاب هم دچار مشکل بودید؟**

در دوران دولت موقت، با این دولت کاملاً هماهنگ بودیم و به همین علت در آن ۹ ماه اول حجم کارهای انجام شده و برنامه‌ریزی‌ها بسیار زیاد بود. اما بعد از دولت موقت در دولت شورای انقلاب که آقای بنی‌صدر آن را اداره می‌کردند به تدریج هماهنگی‌های ما با دستگاه‌های اجرایی کاهش پیدا کرد. در دولت آقای بنی‌صدر استعفا دادم که نپذیرفتند.

*** یعنی شما بعد از دولت موقت استعفا دادید؟**

بله. استعفا دادم تا دست آقای بنی‌صدر در دولت شورای انقلاب برای انتخاب شهردار باز باشد ولی آنها نپذیرفتند. در دوره شهید رجایی هم همین اتفاق افتاد که بنده استعفا دادم ولی در یک صحبت ۴ ساعته‌ای که با ایشان داشتم برای ایشان توضیح دادم که ادامه همکاری ما در شهرداری تهران به مصلحت مردم شهر تهران نیست زیرا مدیریت شهر تهران باید با وزراء و مدیریت دستگاه‌های اجرایی هماهنگ باشند که این هماهنگی بسیار کاهش پیدا کرده بود و هزینه‌هایی برای شهر داشت. ایشان نهایتاً تعهد کردند که این هماهنگی را به وجود بیاورند و طی دو نامه‌ای که به من نوشتند از من خواستند که به همکاری با دولت ادامه بدهم و تصریح کردند که هماهنگی لازم را بین مدیریت شهر تهران و دستگاه‌های اجرایی به وجود می‌آورند. اما نتیجه کار متأسفانه رضایت بخش نبود و به تدریج ما با مشکلات کلیدی مواجه شدیم که ما را وادار کرد که نتوانیم به کار خود ادامه بدهیم.

*** این مشکلات و ناهماهنگی‌ها برای ناتوانی از ادامه کار چه بود؟**

علاوه بر مشکلات قبلی که مطرح شد دو مشکل اصلی داشتیم. یک مشکل در ارتباط با پروژه مترو بود که ما علاقه‌مند بودیم پروژه مترو را دنبال کنیم چون مترو در راستای برنامه‌های راهبردی و دراز مدت پاسخ به تقاضای ترافیک در تهران بود. در دولت شهید رجایی اصرار کردند که پروژه مترو متوقف شود اما در یک جلسه‌ای ما به کمیسیون فنی دولت گزارش کارشناسی دادیم و همه پذیرفتند که تهران نیازمند شبکه مترو است. اما بعد از چندی یکی از وزراء این مطلب را مطرح کردند که «وقتی در سیستان و بلوچستان مردم علف می‌خورند دلیل ندارد که ما پروژه مترو داشته باشیم» حتی به مدیران بعد از ما هم که پروژه مترو را دنبال می‌کردند گفته بودند که «شما باید این جنازه را دفن کنید». این

برای ما بسیار سنگین بود وقتی به لحاظ کارشناسی می‌دیدیم که شهر تهران نیازمند شبکه مترو است نمی‌توانستیم بپذیریم که مانع اجرای پروژه باشند.

مشکل دیگر این بود که بعد از آغاز جنگ تحمیلی ما هم به عنوان مدیریت شهری احساس تکلیف کردیم که بسیج محلات سازماندهی شوند و به عنوان نیروهای پشت جبهه عمل کنند منتهی کسانی که نگاه سیاسی داشتند با این وظیفه مدیریت شهر تهران برخورد سیاسی کردند و در یک جلسه‌ای که در خدمت وزیر کشور و معاونان ایشان بودیم صراحتاً به ما گفتند که «شما بروید زباله‌های شهر را جمع کنید و با کارهای دیگر کار نداشته باشید» اینگونه اظهار نظرها باعث شد تا زمینه استعفا فراهم شود.

*** واقعا استعفای شما را شهید رجایی پذیرفت؟**

چون استعفای بنده را شهید رجایی نپذیرفته بودند دیداری با رهبر فقید انقلاب داشتم که گزارش کلانی از شهر تهران عرضه کردم و تأکید کردم که ادامه فعالیت ما در شهرداری با توجه به مشکلات به نفع مردم تهران نیست با این حال ایشان توصیه کردند که مقاومت کنم و با گفتگو مسائل را حل کنم. این گفتگو در روزنامه‌ها منعکس شد و چون من مسائل را شفاف بیان کرده بودم آقای مهدوی کنی وزیر کشور وقت با استعفای من در دیماه ۵۹ موافقت کردند.

*** شما در متن استعفانامه نوشته‌اید «استعفا ضرورتی بود که باید انجام می‌شد» و در پاسخ به وزیر کشور وقت که شما را متهم به صادر نکردن پروانه ساختمانی برای مستضعفان کرده بود گفتید: «امروز برای تعیین حقوق مستضعفین شعار زیاد داده می‌شود» و اینگونه برخوردها را عاطفی و به دلیل نا‌آشنایی با اداره امور عنوان کردید. فکر می‌کنید این اختلاف عمیق بین شما و دولت‌های بعد از دولت موقت از همین جا نشأت گرفته بود؟**

ما نگاه اجتماعی و مدیریتی داشتیم. چون می‌خواستیم واقعاً به مردم خدمت کنیم و مشکلات را با شناخت حل کنیم. مثلاً در مورد مسکن خیلی شعار داده می‌شد. توسعه بی‌رویه تهران را در راستای منافع ملی ارزیابی نمی‌کردیم. ما می‌گفتیم این امکانات و خدمات باید به صورت عادلانه در سطح کشور توزیع شود و اشتغال به وجود بیاید. تفاوت دیدگاه همین بود. در واقع مهندس بازرگان و دولت موقت دنبال این بودند که ارزش‌های انقلاب را با دید مدیریتی در جامعه پیاده کنند ولی عده‌ای دیگر بودند که شعار انقلابی و در واقع رومانسیسم انقلابی می‌دادند. با نگاه مختصری به شرایط سیاسی آن سال‌ها می‌توان دریافت که حزب توده و گروه‌های چپ که قبل از انقلاب از سازمان و تجربه جهانی برخوردار بودند تلاش می‌کردند با شعارهای احساسی سطح مطالبات مردم آنقدر بالا برود که دولت انقلاب نتواند پاسخگو باشد. آنها پروژه تداوم انقلاب را دنبال می‌کردند. تداوم انقلاب پروژه‌ای بود که تکنوکرات‌ها و مدیران را با برچسب‌های مختلف مانند لیبرال از صحنه سیاسی خارج کنند تا عده‌ای که احساسی

برخورد می‌کنند حاکم شوند و با ضعف در پاسخ به مطالبات مردم با یک ضربه در یک مقطعی آنها را کنار بزنند.

*** این نگاه چگونه در جامعه القا می‌شود؟**

می‌گفتند باید از متعهدین و افرادی که مکتبی هستند استفاده کرد. تقابل این نگاه با نگاه کسانی که هم بر تعهد و هم بر تخصص تأکید داشتند مشکلی بود که جوان‌های آن روز هم تحت تأثیر آن قرار گرفته بودند. و معتقد بودند دولت موقت انقلابی نیست و باید در مقابل این دولت ایستاد.

*** این در واقع همان تقابل نگاه اصلاح طلبانه و طی آرام روند تغییر با نگاه انقلابی نبود؟**

همین موضوع بود. مهندس بازرگان معتقد به تغییرات تدریجی و گام به گام بود که اصل ساده فهم مدیریت علمی است. نگاه دیگر کسانی بودند که نمی‌خواستند این جمع در شهرداری حضور داشته باشند و نمی‌خواستند این نگاه در جامعه حاکم باشد. همان دیدگاه بعد از دولت موقت و دهه شصت حاکم شد.

*** این جا یک توقف داشته باشیم و به بیست سال بعد برویم زمانی که شما نامزد انتخابات شوراهای دوم شدید. بعد از وارد شدن عده‌ای در شورای دوم شما اختیار تهران را در دست گروه ناشناخته‌ای دانستید. عملکرد این گروه بعد از پنج سال مدیریت تهران را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

ما همان موقع در تحلیلی که داشتیم به علت حضور نیافتن مردم در انتخابات گفتیم که مردم اشتباه کردند و این واژه را به کار بردیم که مردم خودزنی کردند و در آینده متوجه خواهند شد. برای اینکه فرصت بسیار خوبی بود تا بتوانند روند مدیریت شهری را اصلاح کنند. نتیجه این شد که شهردار شورای دوم آقای احمدی‌نژاد بود که از تمام امکانات و ابزارهایی که در شهر تهران وجود داشت در جهت زمینه سازی برای انتخابات ریاست جمهوری استفاده کند. این تجربه باعث شد تا شهر تهران بستری شود برای برخوردهای قدرت و کسانی که می‌خواهند در قدرت حضور داشته باشند و تجربه آقای احمدی‌نژاد را تکرار کنند. آقای قالیباف در این نزدیک دو سال مدیریت بر شهر تهران روش مدیریتی متفاوتی را با آقای احمدی‌نژاد دارند. تلاش می‌کنند که با استفاده از روش‌های مدیریتی بهتر شهر تهران را اداره کنند اما آنچه وجوه اشتراک این دو است آنکه به نظر می‌رسد هر دو از یک ابزار استفاده می‌کنند.

*** آیا در ابتدای انقلاب هم از شهرداری به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می‌شد؟**

این تفاوتی است که بین این دیدگاه و دیدگاهی که ما در سال ۵۸ داشتیم کاملاً مشهود است. ما نگاه سیاسی در برنامه ریزی نداشتیم و به هیچ وجه به دنبال قدرت نبودیم، برنامه ریزی که در شهر تهران

داشتیم کاملاً راهبردی و درازمدت بود. ما هیچگاه اینطور نگاه نمی‌کردیم که کاری بکنیم که خودمان افتتاح کنیم و بهره‌برداری سیاسی از آن داشته باشیم. به همین علت می‌توان ردپای بسیاری از کارهای سال‌های بعد را در این دو سال پیدا کرد چون ما دید راهبردی داشتیم. این دیدگاه با نوع مدیریت شهر تهران در این پنج شش ساله در تقابل هستند.

*** آیا می‌توان ردپای همان شعارهای انقلابی در مدیریت شهری را در چند سال گذشته پیدا کرد؟**

در ارتباط با مدیریت گذشته شهرداری اگر بخواهیم یک ارزیابی کارشناسی داشته باشیم باید عملکرد آن را ارزیابی کرد. در طول مدیریت آقای احمدی‌نژاد در شهرداری تهران برای مثال بحث جابجایی یک شبه نمایشگاه بین‌المللی مطرح شد که این موضوع مورد تعجب بود. یا زمانیکه بحث طرح منوریل مطرح شد مجموعه داده‌های کارشناسی نشان می‌داد که شهر تهران نمی‌تواند حمل و نقل ریلی اصلی آن با منوریل انجام شود. این به لحاظ کارشناسی قابل تأمل است که چرا ایشان در سمت ریاست جمهوری هم همچنان اصرار به اجرای این پروژه در تهران دارند. وقتی این پروژه کارشناسی شده نیست نشان می‌دهد که یک فشار پشت این پروژه است و منطق علمی و مدیریتی ندارد.

*** در این چند سال شهرداری تهران به یک نهاد اثرگذار سیاسی تبدیل شده که توانایی عرض اندام در معادلات سیاسی را دارد. آیا این موضوع را برای تحقق مدیریت شهری قدرتمند در تهران مثبت ارزیابی می‌کنید؟**

مدیریت شهر تهران در هر حال سیاسی است و در سال‌های قبل از انقلاب هم پروتکل شهردار تهران در سطح وزراء بوده است. اما آنچه که اتفاق افتاده قبل از آقای احمدی‌نژاد در زمان آقای کرباسچی آغاز شده است. آقای کرباسچی در طول مدیریت خود قصد خدمت داشت و از روش‌های مختلف برای شهر کسب درآمد می‌کردند که بحث فروش تراکم‌ها از همان زمان شروع شد. ایشان هم به نظر می‌رسید که در دوره خدمت خود در شهرداری نیم‌نگاهی به شرکت در انتخابات ریاست جمهوری داشتند که با مانع مواجه شدند. این تجربه قبل از آقای احمدی‌نژاد آغاز شد ولی به نتیجه نرسید. اما این موضوع در همه جای دنیا وجود دارد و کسانی که مدیریت شهرهای بزرگ را کسب می‌کنند این ظرفیت بالا را پیدا می‌کنند که رئیس دولت هم بشوند.

آقای احمدی‌نژاد در دوره مدیریت خود نه تنها مانعی بر سر راهش نبود بلکه زمینه‌های هموار کردن راهش هم فراهم شده بود. بنابراین این موضوع می‌تواند به عنوان تجربه‌ای خوب ارزیابی شود ولی نباید امکانات شهر تهران به عنوان سکوی پرش برای گرفتن قدرت مورد استفاده قرار گیرد.

*** آیا برنامه‌های مدیریت فعلی شهر تهران را نیز می‌توان در همین راستا دانست؟**

خیلی از تحلیل‌گران این ارزیابی را دارند که آقای قالیباف قصد شرکت در انتخابات آینده ریاست جمهوری را دارند. ایشان با رویکرد جدیدی که قصد نشان دادن توان مدیریتی خود را دارد افکار

عمومی را برای شرکت در انتخابات آینده ریاست جمهوری آماده می‌کند. البته من در این موضوع عیبی نمی‌بینم. عیب زمانی رخ می‌دهد که این امکانات به صورت ابزار در اختیار اهداف سیاسی افراد قرار گیرد. اگر واقعاً خدمات راهبردی و سلامتی در شهر انجام شود و شهردار بتواند ظرفیت بالای مدیریتی خود را نشان دهد من ایراد اصولی در این موضوع نمی‌بینم. اما اگر برای اهداف سیاسی اجرای پروژه‌های کوتاه مدت و نمایشی در شهر در دستورکار قرار گیرد نه اجرای برنامه‌های راهبردی و زیربنایی که در بلند مدت پاسخگوی نیازهای شهر باشد این نوع فعالیت‌ها دارای وجه تبلیغاتی خواهد بود و برای شهر زیان‌بار است.

*** اگر قرار باشد بین شهردار پیشین تهران و شهردار فعلی مقایسه‌ای انجام شود به اعتقاد شما چه جنبه‌هایی نمود بیشتری دارد؟**

آقای احمدی‌نژاد بیشتر از یک روش توده‌وار در مدیریت شهر استفاده می‌کردند مانند نوع حضور ایشان در ملاقات‌های مردمی. نگاه کارشناسی را کمتر می‌توان در کارهای این دوره مدیریت شهر ردیابی کرد ولی آقای قالیباف رویکرد و بیان‌شان تمایل با یک رویکرد علمی است مانند تأکید ایشان به شوراهای محله و شورایی‌ها اما با توجه به نگاهی که به قدرت دارند محدودیت‌هایی برای ایشان ایجاد می‌شود که به اجبار کوتاه مدت فکر می‌کنند و کیفیت فدای سرعت می‌شود.

*** از همین دیدگاه تقابل بین دولت و شهرداری چه نسبتی با اختلافات شما با دولت‌های ابتدای انقلاب دارد؟**

مشکلی که ما با دولت‌های بعد از دولت موقت داشتیم کارشکنی‌هایی بود که انجام می‌شد و نمی‌گذاشتند که ما کار کنیم. امروز دولت نهم هم نسبت به شورای شهر و شهرداری تهران همین نقش را دارد مثلاً اختیارات لازم به شوراها تفویض نمی‌شود، ستاد تبصره ۱۳ اعتبارات لازم را در اختیار مترو تهران قرار نمی‌دهد، یا بدهی‌های دولت پرداخت نمی‌شود. این یک وجه اشتراک است اما یک تفاوتی وجود دارد. ما در شهرداری واقعاً تنها بودیم یعنی عملاً دستگاه‌های اجرایی با ما هماهنگ نبودند اما امروز آقای قالیباف این‌طور نیست و خود یک پا در قدرت دارد بنابراین ایشان در برابر مشکلات زانو نمی‌زند و خود ابزارهای قدرت را دارد که در برابر فشارهای دولت ایستادگی کند که شاهد آن انتقادات شدید هفته‌های گذشته از دولت بود. هماهنگی یعنی اینکه همه قانونمند عمل کنند و در جهت منافع ملی عمل کنند.

*** آیا شورای شهر نمی‌تواند نقش نظارتی در زمینه عملکرد شهرداری را تقویت کند؟**

در شرایط مناسب هیچ شهرداری نمی‌تواند خارج از نظارت شورا عمل کند اما متأسفانه ساختار مدیریت شهرداری در ایران ساختار اقتدارگرایانه است و شورای شهر عملاً نمی‌تواند نظارت بر عملکرد شهردار داشته باشد. اعضای شورا بیشتر حضور تشریفاتی دارند زیرا تعداد کم اعضای شورا و

نداشتن اختیارات قانونی لازم باعث شده تا نظارت به درستی اعمال نشود. علاوه بر این تمامی اعضای شورا از اختیارات برابر برخوردار نیستند و آنانکه به مراکز قدرت نزدیک‌ترند از اختیارات وسیع‌تری بهره‌مند هستند.

*** باتوجه به این موضوع شما عملکرد اعضای اصلاح‌طلب شورای شهر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

کسانیکه در شورای شهر هستند چون با اصلاح‌طلبانی که به دنبال وارد شدن در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری بعدی هستند همراه نمی‌خواهند زیاد در شورا هزینه کنند. بنابراین محافظه‌کارانه در شورای شهر عمل می‌کنند. در حالیکه به عنوان نمایندگان مردم شهر تهران باید اطلاعات بیشتری در اختیار مردم قرار دهند و ارتباط خود را با مردم تقویت کنند و مشکلات خود در شورا را بازگو کنند. خیلی آرام این دوران را می‌گذرانند و این نقصی است که در رویکرد آنان در شورای تهران به چشم می‌خورد.

*** این آرامش تا انتخابات مجلس ادامه دارد یا بعد از آن هم ادامه پیدا خواهد کرد؟**

بستگی به خصوصیت فردی آنان دارد. افرادی که می‌خواهند در این مجموعه حفظ شوند طبیعتاً محافظه‌کار می‌شوند. حاضر به هزینه دادن زیادی نیستند. اما من از اصلاح‌طلبان شورا بیشتر از این انتظار داشتم و عملکردشان را قابل نقد می‌دانم. لاقلاً در سطح اطلاع‌رسانی به مردم می‌توانستند قوی‌تر از این عمل کنند.

*** آیا اصلاح‌طلبان شورا نباد باتوجه به اینکه رأی اصلی شهردار تهران را تأمین کرده‌اند از امکانات مدیریتی شهرداری بیشتر استفاده می‌کردند؟**

من فکر نمی‌کنم که مدیریت شهرداری تهران به راحتی حاضر به تقسیم قدرت در شهرداری تهران باشد. مدیریت شهرداری کمتر با یک ساختار شورایی هماهنگ است. ضمن اینکه اعضای شورا نیز اطلاعات بسیار محدودی از آنچه در شهرداری اتفاق می‌افتد دارند. اصلاح‌طلبان شورا باید پیگیر اصلاح قانون شوراها و تقویت جایگاه شورا باشند.

*** به عنوان آخرین سوال، شما در روند مدیریت خود در شهر تهران دوبار در دفتر خود گروگان گرفته شدید. علت این گروگانگیری‌ها چه بود؟**

این از مشکلات طبیعی دوران بعد از انقلاب است. یک بار دوازدهم فروردین بود که یک اصلاحات ابتدایی انجام داده بودیم. دو جریان در شهرداری بودند که به هر حال نمی‌خواستند ما ریشه پیدا کنیم. یک عده کسانی بودند که منافی داشتند و نمی‌خواستند یک مدیریت منضبط در شهرداری باشد و عده‌ای هم نیروهای ضدانقلاب بودند. ما هر دو گروه را در شهرداری می‌دیدیم. از حزب توده تا

سازمان‌هایی که کارشکنی می‌کردند. حتی از احزاب سیاسی که مخالف ما بودند. ما هم ابزاری جز ابزار مدیریتی و گفتگو نداشتیم. در آن گروگانگیری اول آقای صدر حاج سید جوادی وزیر کشور و آقای دکتر یزدی معاونت امور انقلاب آمدند و با گروگانگیران صحبت کردند و اوضاع آرام شد. ما براساس این رویکرد هر یک ماه یک جلسه با همه کارکنان داشتیم و با همه گفتگو می‌کردیم.

خبرنگار اعتماد: حمید رضا ابراهیم زاده